

## یک ارزیابی فشرده از اعتراضات اخیر معلمان:

نگاهی به حرکت‌های تاکتونی نشان دهنده نکات گوناگونی است که در زیر به چهارنکته از آن‌ها اشاره

میشود

نکته نخست- قرائن موجود حاکی از آنست که معلمان کمابیش به توانائی‌های بالقوه و بالفعل خود برای بهره‌گیری از میدان‌های بوجود آمده ناشی از گسست‌های درونی رژیم و تحولاتی که در سطح جنبش توده‌ای اتفاق می‌افتد قوف یافته‌اند. طرح مسائل صنفی بعنوان شعار پایه (درحالی که برای همه روشن است که در کشور ما مواجه شدن با کارفرمایی بنام دولت جمهوری اسلامی، نمیتواند ماهیت سیاسی نداشته باشد)، طرح شعار اتحاد اتحاد و تلاش‌های عملی برای شکل دادن به آن، مطرح شدن شعار تشکل مستقل و سراسری (که مبین دولتی دانستن تشکلهای موجود است)، بهره‌گیری از اشکال حرکت قانونی و شعارهای قانونی تا حرکات و شعارهای نیمه قانونی و حتی برخا فراقانونی (چون اعتصاب بدون مجوز) و در همین حال تهدید به اعتصاب و کشاندن دانش‌آموزان به صحنه، سازماندهی براساس تداوم حرکت، روشن کردن خواست محوری (افزایش ۲۵ درصدی حقوق و ایجاد تشکل مستقل) بعلاوه تلاش برای بیرون ماندن از مانورهای و فعل و انفعالات هردو دوجناح برای کنترل این حرکت، نشانه‌هایی از ادعای فوق است. (درگزارش‌های انتشاریافته در روز گذشته نیز نشانه‌های دیگری چون حمله و افشاء علیه صدا و سیمای لاریجانی و یا تأکید بر خودجوش بودن و غیر وابسته بودن به هر جناحی.. حاکی از آنست). بی تردید مانورهای هردو جناح برای بدست گرفتن کنترل این اعتراضات و جهت دادن به آنها در راستای منافع جناحی، بزرگترین خطری است که این جیبش اعتراضی را تهدید میکند که هوشیاری بازهم بیشتری را می‌طلبد.

نکته دوم: معلمان تاکتون با استفاده از تاکتیک‌های بسیج‌گر و آگاهی دهنده‌ای چون راه پیمائی و تبدیل خواسته‌های خود به شعارهای متعدد و ملموس، افشاء سیمای لاریجانی، بهره‌گیری از رسانه‌های خارج برای شکستن دیوار سانسور که نقش اساسی در فراگیر کردن حرکت و افزایش شانس موفقیت آن دارد، هشیاری خوبی از خود نشان داده‌اند.

نکته سوم: سکوت سنگین رسانه‌های اصلاح طلب در این رابطه جالب توجه است. (به عنوان مثال نگاه کنید به روزنامه نرورز روز گذشته). در واقع اصلاح طلبان بدلیل آنکه تصدی دستگاه آموزش و پرورش با آنهاست و لاجرم خود، مخاطب مستقیم معلمان هستند، در برابر حرکت معلمان-که خیلی تلاش کرده‌اند که از کنترل آنها خارج نشود- غافلگیر شده و به نوعی در حالت انفعال و فلج قرار گرفته‌اند و همین مساله میتواند بر شانس گسترش حرکت و دست آوردهای موضعی آن بیافزاید.

نکته چهارم: گرچه در شرایط کنونی در سطح بیواسطه و مرئی، و بدرستی، مبارزه در وجه نخست حول مسائل معیشتی است اما در محتوای خود-همانگونه که قرائن و نشانه‌های موجود گواهی میدهند، با مبارزه بالقوه توفنده‌ای علیه دولت ایدئوژیک-مذهبی بطورعام و دستگاه مذهبی - آموزشی حاکم بر مدارس عجین بوده و همراه است. و این پدیده -که در شرایط عادی باین سادگی نمیتواند اتفاق بیفتد- انعکاسی از روند بحران مشروعیت رژیم در سطح سراسری است.